بسم الله الرحمن الرحيم

{ وَلَوْلا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتْ الأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ }

صدق الله العلي العظيم

سورة البقرة الآية (٢٥١)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دانشکده ادبیّات و علوم انسانی
گروه حقوق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته ی حقوق خصوصی

عنوان پایان نامه:
مطالعه تطبیقی اعاده دادرسی در حقوق ایران و عراق

استاد راهنما:
دکتر فرامرز باقرآبادی

نگارش
حیدر علی حسون الخفاجی

اردیبهشت۱۳۹۶

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جامعة الرازی

كلية العلوم والآداب الإنسانية

قسم القانون

رسالة مقدمة إلى مجلس كلية القانون جامعة الرازی

وهی جزء من متطلبات نيل درجة الماجستير فی القانون الخاص

الطعـن بطريق إعادة المحاكمة

(دراسة مقارنة بين القانون العراقی والقانون الإيرانی)

بإشـــــــراف:

الدكتور فرامرز باقرابادی

من قبل الطالب:

حيدر علی حسون الخفاجی

١٤٣٦هـ ٢٠١٧م

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کلیهٔ حقوق مادّی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلّق به دانشگاه رازی است

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شكر وثناء

بسم الله الرحمن الرحيم

((رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ))

صدق الله العلي العظيم

سورة النمل / الآية (١٩)

الحمد لله حمداً كثيراً كما ينبغي لجلال وجهه وعظيم سلطانه ، والصلاة والسلام على عبده ورسوله محمد ε وعلى ال بيته الطاهرين الطيبين وصحبه المخلصين ومن اتبع هداه الى يوم الدين وبعد :

بعد ان انجر العمل في اعداد هذا البحث باذن الله وتوفيقه لم يبقَ من صعوبة رحلتي فيها غير ذكريات مرة وحلوة ، ومن حلوها الان ضرورة تقديم الشكر الواجب لكل من وقف معي في اية مرحلة من مراحل انجازها بفكرة او بكلمة ، وبما أسدى من مشورة ونصيحة صادقة، او بما قدمه من مقتنيات مكتبته ، اذكر منهم أستاذي المشرف على البحث الدكتور (**فرامرز باقر** آبادي).

وتبقى المفردة اللغوية عاجزة عن التعبير عما يختلج في داخلي من مشاعر الود والاحترام لهم فجزاهم الله عني خير الجزاء .

الباحث

حيدر علي حسون الخفاجي

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الاهـــداء

إلـى...

العين التي تحلم برؤيتي ناجحاً في الحياةوالدتي العزيزه

إلـــى...

الذي أهدى لي سنين عمره وعاند الهم بصبره والدي الكريم ..

إلـــى ... زوجتي الغالية التي آزرتني وتحملت

عناء الغربة ومشاق المسؤولية والى فلذة

كبدي أطفالي (زهراء , زها)

إلـــى ... من أشدد بهم أزري وأقوي بهم عزيمتي...

أخوتي الأعزاء

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چکیده

در این تحقیق ما به بررسی روشی مهم از میان روش‌های غیر متداول اعتراض به حکم (طعن) در احکام می-پردازیم که عبارت است از اعتراض به حکم از طریق اعاده‌ی دادرسی و آن اعتراضی است که در مقابل همان محکمه و دادگاهی اقامه می‌شود که حکم مورد اعتراض را صادر نموده است و این اقدام، روشی استثنایی و غیر متداول است که در مواجهه با احکام قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که حکم قطعی آنها صادر شده است و چه بسا حکمت و درایت کسی که اجازه‌ی اقامه‌ی این دعوا را به قانون‌گذار داده با این هدف بوده است تا در احکام قضاییِ صادره بر اساس ادله و مستندات نادرستی که طرفین منازعه ارائه می‌کنند و موجب به اشتباه افتادن قاضی یا هیأت محکمه در زمینه‌ی صدور حکم می‌شوند و در نتیجه، برآیندِ این حکم، موجب متضرر شدن محکوم علیه می-شود، تجدید نظر صورت بگیرد؛ از این رو قانون‌گذار در عراق و ایران به منظور پیشگیری از این ضرر، از طریق صدور اجازه برای محکوم علیه به منظور اقامه‌ی اعتراض از طریق اعاده‌ی محاکمه، راه حلی را وضع نموده است؛ اما این روش، از جمله روش‌های غیر متداول و نامرسوم است که مستلزم فراهم آمدنِ اسباب و عواملی است که ماده‌ی (۱۹۶) آیین دادرسی عراق و ماده‌ی (۴۲۶) آیین دادرسی ایران منحصراً به آن اشاره می‌کنند و هدف از این دو ماده‌ی قانونی، تحت پوشش قرار دادن و حمایت از این روش است و نیز توضیح شرایط عمومی و خصوصی و دلایلی که شخص معترض (طاعن) در اعتراض خود به آنها استناد می‌کند و آثار و نتایجی که بر این روش غیر متداول و منحصر بفردِ اعتراض مترتب می‌گردد و نتایجی که نمی‌توان آنها را با هدف محدود نمودن دادرسی و استقرار احکام قضائی، بسط داد که در فصل‌ها و مباحث این تحقیق به آنها پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: اعاده‌ی محاکمه، آیین دادرسی عراق- آیین دادرسی إیران- خواهان اعاده‌ی محاکمه خوانده اعاده‌ی محاکمه بر ضد او – دادگاه ویژه‌ی اعاده‌ی حکم-دلایل اعاده‌ی حکم.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الملخص

نتناول فی هذه الدراسة طريقاً هاماً من طرق الطعن غير العادية فی الأحكام وهو الطعن بطريق إعادة المحاكمة وهو طعن يقدم أمام نفس المحكمة التی أصدرت الحكم المطعون فيه وهو طريق أستثنائی يواجه الأحكام القضائية التی أكتسبت درجة البتات ولعل الحكمة من أجازة المشرع لهذا الطعن هو لغرض تلافی الاحكام القضائية الصادرة بناءاً على ما يقدمه الخصوم من أدلة ومستندات غير صحيحة مما يؤدی إلى وقوع القاضی أو هيئة المحكمة فی خطأً عند أصدارها للحكم ومما يترتب على هذا الحكم من ضرر يصيب المحكوم عليه لذا فقد وضع المشرع العراقی والإيرانی حلاً لدرء هذا الضرر عن طريق السماح للمحكوم عليه بالطعن بطريق إعادة المحاكمة إلا أن هذا الطريق من طرق غير العادية يستلزم توافر اسباب أشارت إليها المادة (١٩٦) من قانون المرافعات العراقی والمادة (٤٢٦) من قانون المرافعات الإيرانی والواردة عللی سبيل الحصر ولأجل تغطية هذا الطريق من طرق الطعن وتوضيح الشروط العامة والخاصة والأسباب التی يستند إليها الطاعن فی طعنه، و آثار التی تترتب على هذا الطريق من طرق العن غير العادية والأستثنائية والتی لا يجوز التوسع فيها لغرض وضع حد للتقاضی و استقرار الاحكام القضائية والتی سيتم تناولها فی فصول و مباحث هذا البحث.

الكلمات المتكررة فی بحثنا هـی: إعادة المحاكمة – قانون المرافعات العراقی – قانون المرافعات الإيرانی – طالب إعادة المحاكمة المطلوب إعادة المحاكمة ضده – المحكمة المختصة فی إعادة المحاكمة – أسباب إعادة المحاكمة .

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خطـــــة البحث

لقب صفحة

الفصل الاول: ماهية إعادة المحاكمة

المبحث الأول: التعريف بإعادة المحاكمة لغةً واصطلاحًا..... ۲

المطلب الأول: التعريف بإعادة المحاكمة لغة..... ۳

المطلب الثانی: تعريف إعادة المحاكمة اصطلاحًا..... ۵

الفرع الأول: التعريف التشريعی لإعادة المحاكمة..... ۵

الفرع الثانـــی: التعريف الفقهـی لإعادة المحاكمة..... ۶

الفـــــرع الثالث: التعريف القضائی لإعادة المحاكمـة..... ۸

المبحث الثانـی: خصائص إعادة المحاكمـة..... ۹

المبحث الثالث: تميز إعادة المحاكمة عما يشتبه به من طرق الطعن الأخرى..... ۱۲

المطلـب الاول: إعادة المحاكمة وتميزه عن الطعن بالاعتراض على الحكم الغيابیّ..... ۱۳

المطلب الثانـی: تمييز إعادة المحاكمة عن الطعـن بالاستئناف..... ۱۵

المطلب الثالث: تميز إعادة المحاكمة عن الطعن بالتمييز..... ۱۷

المطلب الرابع: تمييز إعادة المحاكمة عن الطعن باعتراض الغير..... ۱۹

المطلب الخامـــــس: تميز اعادة المحاكمة عن الطعن بتصحيح القرار التمييزی..... ۲۱

المطلب السادس: تمييز إعادة المحاكمة عن الطعن لمصلحة القانون..... ۲۴

الفصل الثانی: شروط إعادة المحاكمة

المبحث الاول: الشروط العامه فی دعوی إعادة المحاكمة..... ۳۳

المطلب الاول: شرط الاهلية..... ۳۳

المطلب الثانی: شرط الخصومة..... ۳۴

المطلب الثالث: شرط المصلحـة..... ۳۶

المبحث الثانی: الشروط الخاصه للطعـــن بإعادة المحاكمة..... ۳۷

المطلب الاول: أن يكون الحكم من الأحكام التی يجوز الطعن فيها بإعادة المحاكمة..... ۳۷

المطلب الثانی: أن يكون الطعن بإعادة المحاكمة واقعاً ضمن المدّة القانونية..... ۴۸

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الفصل الثالث: اسباب الطعن فی إعادة المحاکمـــة

المبحث الأول: الغش والتزویر ۵۵

المطلب الاول: الغش ۵۵

المطلب الثانی: التزویر ۶۰

المبحث الثانی : شهادة الزور والورقة المنتجة فی الدعـوی ۶۳

المطلب الاول: شهادة الـزور ۶۴

المطلب الثانی: الورقة المنتجة فی الدعـوی ۶۷

الفصل الرابع: التنظیم القانونی للطعن بإعادة المحاکمة

المبحث الأول: الخصوم فـی الطعن بطریق إعادة المحاکمـة ۸۰

المطلب الأول: طالب إعـادة المحاکمة ۸۲

المطلب الثانی: المطلوب إعادة المحاکمة ضده ۸۷

المطلب الثالث: المحکمة المختصة بنظـر الطعـن بطریق إعـادة المحاکمة ۸۷

المبحث الثانی: کیفیة إقامة دعوی إعادة المحاکمة ۹۰

المطلب الاول: کیفیة تقدیم طلب اعادة المحاکمة ۹۰

المطلب الثانی: الحکـم فی طلب إعـادة المحاکمـة ۹۵

المطلب الثالـث: قبول طلب إعادة المحاکمـة مـن الناحیة الشکلیة ۱۰۰

المبحث الثالث: أجـراءات إعـادة المحاکمة ۱۰۳

المطلب الاول: اجراءات المحاکمـة عند قبول الطعـن بإعـادة المحاکمة ۱۰۳

المطلب الثانی: إجراءات المحکمة فی حالة رفض الطعن بإعادة المحاکمة ۱۰۴

المطلب الثالث: إجراءات المحکمة فی فرض الغرامـــة ۱۰۵

الفصل الخامس: الأثار المترتبة علی الطعـن بإعـادة المحاکم

المبحث الأول: وقف تنفیذ الحکم المطعون فیـه ۱۱۰

المبحث الثانی: صدور حکم جدید محل الحکم المطعون فیه ۱۱۳

المبحث الثالث: الطعن بطریق إعادة المحاکمة یمتنع تجدیدهامرة اخری ۱۱۸

الخاتمة ۱۲۱

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

المراجع..... ۱۲۹

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

المقدمة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله ربِّ العالمين، والصلاة والسلام على سيد المرسلين محّمد صل الله عليه وآله وسلم " وعلى آله وصحبه المنتجبين ، وبعد؛

لقد أتاح القانون للمحكوم عليه أن يطعن بالحكم القضائى الصادر من المحكمة وذلک عن طريق طرق الطعن القانونية ، وبذلک لا يعتبر الحكم القضائى الصادر من قبل المحكمة نهائيًا وباتاً، ويمكن القول أن طرق الطعن هى وسائل قانونية أجاز المشرع من خلالها وضمن سقف زمنى محدد للمحكوم عليه من طلب إعادة النظر فى الحكم الصادر ضده من أجل فسخه أو نقضه أو إبطاله أو تعديله سواء تم تقديم الطلب أمام المحكمة التى أصدرت الحكم أو أمام المحكمة التى حلت محلها

وتجدر الإشارة إلى أن العلة فى إجازة الطعن فى الأحكام هى حماية حقوق المحكوم عليه إذ قد يقع القاضى أو هيئة المحكمة فى خطأعند إصدار الحكم القضائى مما يؤدى الى إلحاق الضرر بالمحكوم عليه دون وجه حق .لذلک كان من الضرورى إيجاد وسيلة قانونية من اجل درء هذا الضرر وهذا هو السبب الذى من اجله شرعت طرق الطعن العادية وغير العادية.

وبموجب أحكام قانون المرافعات العراقى يحق للمحكوم عليه سلوک طرق الطعن العادية دون التقيد بأسباب معينة فى حين يشترط توافر أسباب موجبه ومحدده لسلوک الطرق غير العادية للطعن هذا من جانب، ومن جانب آخر يترتب على الطعن بطريق عادى تجديد نظر النزاع من جانب الواقع والقانون بينما يقتصر النظر على عيوب الحكم القانونية عند سلوک الطرق غير العادية للطعن وعلى هذا الأساس فان من طرق الطعن غير العادية هو إعادة المحاكمة وبموجب هذا الطريق يحق للمحكوم عليه أن يطلب إعادة النظر فى الأحوال المقررة فى القانون انطلاقًا من مبدأ هو أن الحقيقة القضائية التى يتوصل إليها القاضى قد لا يكون بعضها صحيحًا وبالتالى فأنها تصبح غير الحقيقة الواقعية ويسمح للمحكوم عليه أن يطلب إعادة المحاكمة فى الحكم القضائى حتى ولو اكتسب درجةالبتات فى حالة توفر سبب من الأسباب المحددة قانونًا لهذا فقد دفعتنى عدة دوافع من اجل البحث فى موضوع (إعادة المحاكمة).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الاطار المنهجى للدراسة

اولا : اهمية الدراسة

١- إنّ طريق تطبيق القانون من قبل الأجهزة القضائية والمحاكم وتحقيق العدل وماله من أهمية فى حياة الناس والمجتمع والدولة. ودور القضاء فيه وارتباط ذلک بطرق الطعن لغرض تحقيق العدالة التى اشغلت الانسان ومازالت تشغله، وإنّ العدل بمفهومه الذى تسعى الوظيفة القضائية الى تحقيقه فكان للقضاء السبق فى وظائف الدولة وذلک لما له من شمولية وعمق وتاثير فى جوانب الحياة جميعاً ويتحقق ذلک من خلال القضاء الذى تكون غايته هو تحقيق العدل والأمن والإطمئنان للناس و قيام القضاء بتحقيق غايته وهـــى تحقيق العدالة قد تعترضه بعض المشاكل والحالات التى تتناقض مع العدل والذى يوجب على ذلک بأن يكون هناک مجالًا واسعًا لغرض الإعتراض على هذه الحالات والمشاكل التى تعترض العداله وإيصال الحقوق لأصحابها. فقد يغفل القضاء عن تحقيق العدل لإعتماده على أدلة ومستندات مشوبه بعيب، ويقوم بأصدار قراراته مبنيًا على هذه الأدلة والمستندات وتكون الحقيقية القضائية التى صدرت من القاضى بناءاًعلى تلک المستندات والأدلة تخالف الحقيقه الواقعيه لذا كان لزاماً فتح الباب امام المتضرر من هذه القرارات لغرض الاعتراض عليها ومن هذه الطرق هى طريق الطعن بإعادة المحاكمة .

٢- ان القضاة الذين يطبقون القانون فى المحاكم المختصة هم بشر وهم معرضون للخطأ سواء كان حدوثه سهواً أوبناءاً على فعل الخصوم ولذا يكون القرار الصادر فى الوقائع خاطئاً لانه قد بنى على وقائع وادلة خاطئة لذا فان فتح باب الطعن بهذا القرار الخاطئ عند ظهور سبب من الاسباب التى يمكن من خلالها اصلاح هذا الخطأ وتبصرة القاضى بالخطأ يكون من باب احقاق الحق وتحقيق العدالة ان يبادر الى اصلاح هذا الخطأ عن طريق الطعن بهذا الحكم بطريق اعادة المحاكمة من اجل اصلاح هذا الخطأ ورفع الضرر الذى أصاب طالب اعادة المحاكمة من القرار السابق .

٣- ان الطعن بطريقة إعادة المحاكمة هو طعن فى حكم نهائى أكتسب درجة البتات يهدف الى إلغاء الحكم السابق وإعادة الحال إلى ماقبل صدور الحكم من أجل إعطاء الفرصة لطالب أعادة المحاكمة من تقديم ما يملكه من أدلّة ومستندات لم يعلم بها. فهو طريق يعيد مركز طالب الاعادة إلى ما كان عليه قبل صدور الحكم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴- إن الطعن بطريق إعادة المحاكمة من طرق الطعن غير العادية الذى يواجه الاحكام القضائية المكتسبة درجة البتات وهو طعن يقدم الى المحكمة نفسها التى اصدرت الحكم فهو فى الواقع حق من حقوق طالب الإعادة الذى يجب عليه أن لايتقاعس عن المطالبة به عن طريق إستخدام هذا الحق وفق مارسمه القانون والكيفية التى يتم بها سلوک هذا الطريق من الناحية الشكلية والموضوعية.

ثانياً : *مشكلة الدراسة*

انً صدور الأحكام من المحاكم المختصة تكون بناءاً على جلسات يترافع بها الخصوم ويقدم كل خصم مالدية من دفوع معززة بالوثائق والمستندات وتصدر هذه الآحكام وتمر بطرق الطعن الاخرى من استئناف وتمييز , وبعد اكتساب الحكم درجة البتات فإنّ هذه القرارات يجب تنفيذها باعتبار أن قرارات المحاكم واجبة التنفيذ وإنّ هذه القرارات عند تنفيذها يترتب عليها انشاء مراكز قانونية وهذا يتماشى مع حجية الاحكام الباته واستقرار المعاملات. والأصل أن الحكم إذا إستنفذ طرق الطعن وإكتسب درجة البتات فإنّه لايجوز الطعن فيه ولايجوز إقامة دعوى أخرى بنفس الموضوع, إلا فى طريق واحد من طرق الطعن وهو الطعن بطريقة إعادة المحاكمة إذا ظهر سبب من الأسباب التى وردت فى القانون على سبيل الحصر والتى أجاز المشّرع أن يطعن بالحكم المكتسب الدرجة القطعية بهذا الطريق الإستثنائى وعلى الرغم من إنه ينافى مبدأ حجيّة الاحكام الباته واستقرار المعاملات الإ إن العدالة والمنطق تقتضى احقاق الحق فى حالة ظهور سبب من الأسباب التى تؤدى إلى تبصرة المحكمة أو القاضى بأنه وقع فى خطأ غير متعمد وسهواً ادّى إلى ظهور حكم يخالف الحقيقه الواقعية, ومن هنا تظهر مشكلة الدراسة بأنه هل يجوز الطعن فى الأحكام الباته ؟ والجواب سيكون على هذا السؤال فى هذه الدراسة وذلک من خلال بيان نصوص القانون الإيرانى والعراقى والخاصة فى إعادة المحاكمة من خلال هذه الدراسة المقارنة ومدى معالجة كلا القانونين للحالات التى يجوز فيها الطعن بإعادة المحاكمة بالإضافة إلى الأسباب التى يجوز من خلالها الطعن بالحكم البات ومن ثم الآثار التى تترتب على الطعن بهذا الطريق .

ثالثاً : منهجية البحث

اعتمدنا فى إعداد هذا البحث على المنهج التحليلى المقارن وذلک من خلال تحليل النصوص القانونية الواردة فى قوانين المرافعات المدنية (العراقى والايرانى)وأجراءآتهم التنفيذية والأحكام النهائية التى يجوز

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فيها إعادة المحاكمة ومدة إعادة المحاكمة وأطراف دعوى إعادة المحاكمة والأجراءآت التى تتبعها المحكمة عند النظر فى دعوى إعادة المحاكمة مع بيان الآثار التى تترتب على الطعن بإعادة المحاكمة وحيث سيتبع الباحث دراسة تطبيقية منهجية مقارنة وذلک ببيان بعض الحالات التطبيقية التى عرضت على القضاء العراقى ثم يقارن ذلک بما ورد فى نظام المرافعات الإيرانى مع الإشارة إلى ماورد فى قانون المرفعات المدنية والتجارية المصرى لأنه نموذج المقارنة لمعظم قوانين وأنظمة المرافعات فى البلاد العربية وقد تأثرت به مع بيان أوجه الإختلاف والتشابه بين قانون المرافعات العراقى وقانون المرافعات الايرانى لغرض الوصول إلى الوجه الأمثل لهذا الطريق من طرق الطعن غير العادية.

رابعاً: مبررات الدراسة

تبـرز هناک عدة مبررات لبحث هذا الطريق من طرق الطعن منها تحديد الأسباب المحددة قانونًا والتى أجاز المشرع فيها طلب إعادة المحاكمة وبالتالى فإن عدم تحقق احد اسباب إعادة المحاكمة يمنع من تقديم طلب إعادة المحاكمة بالإضافة الى ذلک نتسائل عن الأحكام القضائية التى تقبل إعادة النظر فيها هل أن كل الأحكام القضائية تقبل ذلک أم أن هناک جزء من الأحكام لا تقبل ذلک؟ ثم هل أن هناک مدة زمنية محددة من قبل المشرع لإجازة طلب الإعادة أم أن المدة مفتوحة؟ وهل أن هناک إجراءآت محددة قانونًا يجب التقيد بها عند تقديم الطلب؟ وما هى الخطوات التى تقوم بها المحكمة عند تقديم الطلب وهل أن المحكمة تكتفى بأجراء موضوعى أم هناک أجراء شكلى تسلكه المحكمة؟ ثم التعرف أخيراً على الآثار القانونية المترتبة على إعادة المحاكمة. التساؤلات فقد قمت بتقسيم هذا البحث الى عدة فصول حيث تناولت فى المبحث التمهيدى التطور التاريخى لإعادة المحاكمة فى القرآن الكريم والسنة النبوية الشريفة وفى الفقه الإسلامى وفى قانون المرافعات وتكلمت فى الفصل الأول عن ماهية إعادة المحاكمة من خلال ثلاثة مباحث سوف نخصص المبحث الأول للتعريف بإعادة المحاكمة لغةً وأصطلاحاً وتناولت فى المبحث الثانى خصائص إعادة المحاكمة وخصصت المبحث الثالث فى تمييز إعادة المحاكمة عن طرق الطعن الاخرى وتكلمت فى الفصل الثانى عن شروط إعادة المحاكمة من خلال مبحثين خصصت المبحث الأول لتوافر الشروط العامة لدعوى إعادة المحاكمة وتكلمت فى المبحث الثانى عن الشروط الخاصة بالطعن بطريق إعادة المحاكمة وقد تناولت فى الفصل الثالث أسباب الطعن بإعادة المحاكمة من خلال مبحثين سوف نخصص المبحث الأول عن الغش والتزوير وسئتكلم فى المبحث الثانى عن شهادة الزور والاوراق المنتجة فى الدعوى أما الفصل الرابع خصصت الحديث فيه عن التنظيم القانونى للطعن بإعادة المحاكمة وقسمت هذا الفصل إلى ثلاثة مباحث تناولت فى المبحث الأول الخصوم فى دعوى إعادة المحاكمة ،وفى المبحث الثانى تناولت كيفية إقامة دعوى إعادة المحاكمة، وتكلمت فى المبحث الثالث عن

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

أجراءآت إعادة المحاكمة . أما الفصل الخامس خصصت الحديث فيه عن الآثار المترتبة على إعادة المحاكمة من خلال مبحثين تكلمت فى المبحث الأول عن وقف تنفيذ الحكم المطعون فيه وبحثت فى المبحث الثانى الطعن بطريق إعادة المحاكمة يمتنع الطعن فيه ثانيةً بنفس طريق الطعن ، وبحثنا فى هذه الدراسة المقارنة أجراءآت إعادة المحاكمة ومدى ملاءمتها وتطبيقها فى النظام الاجرائى ومن ثم معالجتها فى ضوء المفاهيم الحديثة بعد وضع نظرية متكاملة لها فضلا عن اعتمادنا على المنهج المقارن ،إذا عقدنا مقارنة بين الاحكام الواردة فى القانون العراقى–قانون المرافعات المدنية ذى الرقم (٨٣) لسنة (١٩٦٩) النافذ المعدل ؛ وتلك الاحكام التى وردت فى قانون المرافعات المدنية الإيرانى الصادر عام (١٣٠٧) ،وقانون المرافعات والاجراءات المدنية المصرى ذى الرقم (١٣) – لسنة (١٩٦٨) النافذ المعدل إلى جانب الاستئناس بموقف البعض من القوانين العربية كلما دعت الحاجة الى ذلک . بالإضافة إلى الاستعانة بالواقع العلمى المتمثل بالإستشهاد بقرارات المحاكم العراقية والمقارنة لدعم الجانب النظرى بنظيره العلمى فى الموضوع محل الدراسة . وقد أنتهيت بخاتمة حاولت فيها أن أضمن أهم النتائج والتوصيات التى توصلت إليها من خلال البحث.

المبحث التمهيـدى

التطور التأريخى لاعادة المحاكمة

إن إعادة المحاكمة باعتبارها طريق من طرق الطعن غير العاديةّ لا تعد مصطَـلحاً حديثًا فهى تمثل امتداد للقواعد العامّة فى الشريعة الإسلامية كونها مصدرًا من مصادر القانون.

ويرجع أساس إعادة المحاكمة إلى أحكام فى الشريعة الإسلامية وما تدعو إليه هذه الشريعة السمحاء فى نشر العدالة والمساواة ورفع الظلم والغبن ، كما إنه يجمع بين ماورد فى الشريعه الاسلامية وما تدعو إليه الرغبة فى العدل فى قانون المرافعات العراقى والقوانين المقارنة لذا فان دراسة أساس إعادة المحاكمة تلزم تحديد هذا النظام فى الشريعة الاسلامية .

فلم تحدد الشريعة الإسلامية شكًلا محددًا أو طريقًاً معينًا للتقاضى بين الناس، لأنّ ذلک من ألامور التى يتغيّر شكلها وطابعها من مجتمع إلى آخر، وبحسب النظام السياسى الذى يسود فيه ، ومع ذلک فإن فى كتاب الله تبارک وتعالى وسنة رسوله الأكرم ، والفقه الإسلامى ما يؤيد الأخذ بطريق الطعن بإعادة المحاكمة.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

أولاً: فی القرآن الکریم

لقد ورد فی القرآن الکریم ما یؤید معرفة الشریعة الإسلامیة وإجازتها لمبدأ نقض الإحکام وجواز مراجعتها أمام قاضی آخر غیر القاضی الذی نظر القضیة لأول مرة. مثال ذلک قضیتا النعاج و الحرث والغنم . وفی قضیة النعاج یقول الشیخ مکارم الشیرازی إن بعض المفسّرین ،یحکمون بشیءغیرمقبول،ویقولون مالا یلیق بهذا النّبی الکبیر. ففی البدایة یخاطب القرآن المجید نبی الله داود:

(وهل أتاک نبأ الخصم إذ تسوّروا المحراب) . الخصم – جاءت هنا کمصدر ، وأکثر
الأحیان تطلق علی الطرفین المتنازعین،وتستعمل هذه الکلمة للمفرد والجمع،وأحیاناً تجمع علی (خصوم).
(تسوّروا) مشتقّة من (سور) وهوالحائط العالی الذی یبنی حول البیت أوالمدینة، وتعنی هذه الکلمة فی الأصل القفز أوالصعود إلی الأعلی.
(محراب)تعنی صدر المجلس أوالغرف العلیا،ولأنّها أصبحت محلا للعبادة أخذ تدریجیّاً یطلق علیها اسم المعبد. وتطلق الیوم علی المکان الذی یقف فیه إمام الجماعة لأداء مراسم صلاة الجماعة،وفی المفردات،نُقل عن البعض أنّسب کلمة تطلق علی المکان العالی هو کلمة «المحراب» ، لکونه مکاناً للحرب ضدّ الشیطان وهوی النفس.
علی أیّة حال،فرغم أنّ داود (علیه السلام) کان محاطاً بأعداد کبیرة من الجند والحرس،إلاّ أنّ طرفی النزاع تمکّنا من طریق غیرمألوف تسوّر جدران المحراب،والظهورأمام داود (علیه السلام) فجأةً، ففزع عند رؤیتهما،إذ دخلا علیه بدون إستئذان ومن دون إعلام مسبق،وظنّ داود (علیه السلام) أنّهم یکنّون له السوء، (إذ دخلوا علی داود ففزع منهم).
ألاّ أنّهما عمدا بسرعة إلی تطییب نفسه وإسکان روعه،وقالا له: لاتخف نحن متخاصمان تجاوز أحدنا علی الآخر (قالوا لاتخف خصمان بغی بعضنا علی بعض).
فاحکم الآن بیننا ولاتتحیّز فی حکمک وأرشدنا إلی الطریق الصحیح (فاحکم بیننا بالحقّ ولاتشطط واهدنا إلی سواء الصراط).
«تشطط»مشتقّة من (شطط) علی وزن (فقط)، وتعنی البعید جدّاً،ولکون الظلم والطغیان یبعدان الإنسان کثیراًعن الحقّ،فکلمة (شطط) تعنی الإبتعاد عن الحقّ،کما تطلق علی الکلام البعید عن الحقیقة. ومن المسلّم به أنّ قلق وروع «داود» قلّ بعض الشیء عندما وضّح الأخوان هدف مجیئهما إلیه،ولکن بقی هناک سؤال واحد فی ذهنه هو إذا کنتما لاتکنّان السوء ،فما هو الهدف من مجیئکما إلیّ عن طریق غیرمألوف؟

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ولذلک تقدّم أحدهما وطرح المشکلة علی داود،وقال: هذا أخی،یمتلک تسع وتسعون نعجة، وأنا لا أمتلک إلاّ نعجة واحدة،وإنّه یصرّعلیّ أن اعطیه نعجتی لیضمّها إلی بقیّة نعاجه،وقد شدّد علیّ فی القول وأغلظ (إنّ هذا أخی له تسع وتسعون نعجة ولی نعجة واحدة فقال اکفلنیها وعزّنی فی الخطاب).

وهنا التفت داود (علیه السلام) إلی المدّعی قبل أن یستمع کلام الآخر (کما یوضّحه ظاهرالآیة) وقال: من البدیهی أنّه ظلمک بطلبه ضم نعجتک إلی نعاجه (قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک إلی نعاجه).

ولکن آداب مجلس القضاء تفرض علی داود أن یتریّث فی إصدار الأحکام ولایتعجّل فی إصدارها،وکان علیه أن یسأل الطرف الثانی أیضاً ثمّ یحکم بینهما،فلذا ندم کثیراًعلی عمله هذا،وظنّ أنّها فتنة الباری عزّ وجلّ بهذه الحادثة (وظنّ داود أنّما فتنّاه). (۱)

وهنا أدرکته طبیعته،وهی أنّه أوّاب،إذ طلب العفو والمغفرة من ربّه وخرّ راکعاً تائباً إلی الله العزیزالحکیم (فاستغفرربّه وخرّراکعا وأناب).

القرآن الکریم لم یفصّل الحدیث بشأن هاتین المسألتین،إلاّ أنّ الدلائل الموجودة فی هذه الآیات والروایات الإسلامیة الواردة بشأن تفسیرها تقول: إنّ داود کان ذاعلم واسع وذا مهارة فائقة فی أمر القضاء،وأراد الله سبحانه وتعالی أن یمتحنه ،فلذا أوجد له مثل تلک الظروف غیرالإعتیادیة ، کدخول الشخصین علیه من طریق غیرإعتیادی وغیرمألوف ، اذ تسوّرا جدران محرابه، وإبتلائه بالإستعجال فی إصدارالحکم قبل الإستماع إلی أقوال الطرف الثانی،رغم أنّ حکمه کان عادلا.

والشاهد علی هذا التّفسیر إضافة إلی ماذکرناه قبل قلیل هوالآیة التی تأتی مباشرةً بعد تلک الآیات،والتی تخاطب داود (علیه السلام): (یاداود إنّا جعلناک خلیفةً فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ ولاتتبع الهوی فیضلّک عن سبیل الله).(۲)

وتتلخص القضیة الأولی فـــــــی أن سیدنا داوود (علیه وعلی نبینا افضل الصلاة والسلام) کان یقسّم وقته بین العبادة والحکم بین الناس، فدخل علیه قومه للحکم بینهم فی محراب العبادة ،فتوجّس منهم خیفة وحکم للمدعی دون التمهل فی سماع أخیه الأمر الذی أوقعه فی خطأ فی الحکم لحکمه دون ترو[۳].

۱- الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل - الشیخ ناصر مکارم الشیرازی - الطبعة، الاولی- التصحیح الثالث - مدرسة الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام) -ص۴۷۴/۱۴ وما بعدها.

۲- تفسیر الکاشف - محمد جواد مغنیة - ج۶-الناشر مؤسسة دار الکتاب الاسلامی - ط۴- ۲۰۰۷- ص۳۷۰ وما بعدها

۳-الطبری – محمد بن عبد لله،جامع البیان, ج۲۳,ط۵۲, مطبعة الحلبی ,القاهرة ، ،۱۹۵۴م،ص۱۴۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

يقول تعالى : (وَهَلْ أَتَاكَ نَبَؤُاْ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ * إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ * إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ * قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيراً مِنْ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعاً وَأَنَابَ فغفرنا له ذلک وان له عندنا*لزلفى وحسن مئاب)[1].

فيستفاد من الاستشهاد بهذه الآيات الكريمة فى هذه القضية أنّ القرآن الكريم تصوّر إمكانية وقوع الخطأ من القاضى فى حكمة وإمكانية إعادة الحكم فيه وهو ما يتطابق مع موضوع بحثنا .

وفى قضية الحرث والغنم قال تعالى (وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ * فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلاًّ آتَيْنَا حُكْماً وَعِلْماً وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ) [2].

وتتلخص هذه القضية كما جاء فى السنن الكبرى للبيهقى[3] عن ابن مسعود قال : قضى داود عليه السلام بالغنم لصاحب الكرم فقال سليمان غير هذا يا نبى الله : قال وما ذاک: قال فى أن القوم عرضوا على سيدنا داود الواقعة فحكم لأصحاب الحرث بالغنم فلما عرض الأمر على نبى الله سليمان رأى أن تدفع الكرم أو الحرث[4] لأصحاب الغنم فيقوم عليه حتى يعود اصلاحة : وأن تدفع الغنم إلى صاحب الكرم فيصيب منها، حتى إذا ما كان دفعت الكرم إلى صاحبه ودفعت الغنم إلى أصاحبها[5]

١- ىسورة ص – الايات – ٢١- ٢٥-

٢- سورة الانبياء – الايتان ٧٨،٧٩

٣- البيهقى – السنن الكبرى- كتاب اداب القاضى - دار الكتب العلمية – بيروت ١٤١٤ه-١٩٩٤م (١١٨/١٠) الامام الطبرى – جامع البيان فى تفسير القران (٥١/١٧)

٤- أحمد ابن حنبل: المسند- تحقيق شعيب الأرنؤوط وآخرين أشراف د. عبد الله عبد المحسن التركى- بيروت- لينان، مؤسسة الرسالة- ط٢- ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩-١٥/٢ رقم الحديث ٥٧٣.

٥- يقصد بالنقض هنا طريق الطعن فى الاحكام القضائية . بل يقصد به مراجعة الحكم سواء كان عن طريق إعادة المحاكمة (الالتماس) او الاستئناف او النقض- للمزيد انظر د- عبد العزيز خليل بديوى - القضاء فى الاسلام وحماية الحقوق ص٨٠- ٨١ . ومن ناحية اخرى لايوجد فى القران الكريم ما يمنع من مراجعة حكم القاضى لاصلاح خطئة بفهم الواقع . د- عبد الرحيم عياد – اصول علم القضاء – الرياض معهد الادارة العامة – ١٤٠١ه- ص ٢٠٣-ص٢٠٤

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ثانياً: فى السنة النبوية الشريفة

وردت الكثير من الوقائع فى السنة النبوية الشريفة التقريرية والتى تؤكّد عدم معارضة الشريعة الإسلامية لنظام مراجعة الاحكام ونقضها عن طريق الطعن فيها.

وهى ما تسمى اليوم لدينا بطرق الطعن فى الأحكام ومن ضمنها طريق الطعن بإعادة المحاكمة. ومن أهم هذه الوقائع تلك الواقعة المعروفة فى الفقه (بقضية الزبّيةُ)(١) والتى تتلخص وقائعها. فيما روى أن الإمام على ابن أبى طالب (عليه السلام) قال : بعثنى رسول الله إلى اليمن حيث حفر قوم حفرة (زبية) للأسد(٢) فأصبحوا ينظرون إليه بعد أن وقع فيها، فلما تدافعوا حول الحفرة، فوقع فيها رجل فتعلَّق به ثان وتعلَّق بهم ثالث ،حتى وقع بالحفرة أربعة أشخاص فجرحهم الأسد. فأنتدب له رجل بحربة فقتله وماتوا جميعا من جراحتهم، قام أولياء الأول إلى أولياء الاخر فأخرجوا السلاح ليقتتلوا،ثم رفعوا الأمر إلى أمير المؤمنين على ابن ابى طالب(عليه السلام)وهو على قضاء اليمن فقال لهم((إنى قاض بينكم بقضاء فإن رضيتموه فهو نافذ، وإن لم ترضوه فهو حاجز بينكم حتى تأتوا رسول الله صلى الله اله عليه وسلم فهو أعلم منى بالقضاء فأمر بهم أن يجمعوا من الذين شهدوا الحادثة دية كاملة ونصف دية وثلث دية وربع دية، فقضى للأسفل بربع الديّة من أجل الذى هلك فوقه أثنان لجذبه لهما وللذى يليه بنصف الدية من أجل أنه هلك فوقه واحد لجذبه له وللاعلى الذى لم يهلك فوقه أحد بالدية الكاملة.))

فمنهم مَنْ رضى ومنهم مَنْ لم يرضى، فوافوا رسول الله فلما قضى الصلاة جلس عند مقام إبراهيم عليهما أفضل الصلاة والسلام فساروا إليه فحدثوه بالأمر قائلين بما قضى به أمير المؤمنين على عليه السلام فقال (هو ما قضى بينكم)(٣).

١- الزبية – حفرة تحفر الاسد وسميت بذلك لانها تحفر فى موضع عال – مختار الصحاح للرازى – ص١١٣-

٢-احمد بن حنبل – المسند – تحقيق شعيب الانوؤط واخرين – اشراف د- عبد الله المحسن التركى – بيروت – لبنان- مؤسسه الرساله ط٢- ١٤٢٠ه ١٩٩٩م (١٥/٢) رقم الحديث ٥٧٣-

١-د. عبد العزيز بديوى – القضاء فى الاسلام وحماية الحقوق – القاهرة – دار الفكر العربى ١٩٧٩م- ص٤٧٩ .

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.